



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 16 Issue: 43
Summer 2025

Pages: 179-202

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2025.66436.2565

Received: 2025/03/17 Received in revised form: 2025/04/30 Accepted: 2025/05/19 Published: 2025/06/25

The Labor Issue in the Oil Regions of the South During the Reza Khan Coup Years: From Protest to Policy Change The Triad of Government, Oil Company, and Workers (1920-1925)

Robabe Motaghedi¹

Abstract

This research aims to examine labor issues in the oil industry of southern Iran during the years of the coup d'état (1299-1304 AH), focusing on the complex interactions between labor, capital (British and Iranian oil companies), and the Iranian government. The main research question is to identify the factors that contributed to the formation and emergence of labor challenges, as well as the role of the government in addressing these challenges. This study uses historical analysis, archival sources, government documents, and historical reports to investigate the developments of this period. The findings show that the increase in labor demand and supply, resulting from unfavorable economic and social conditions, coupled with the ambiguities of the Darcy Agreement, paved the way for the oil company to exploit workers' rights. Labor protests against discrimination and inequality prompted the government to take a more active role in protecting workers' rights by consolidating central power and establishing dispute resolution commissions. Government pressure and labor protests led to changes in the oil company's policies regarding hiring, training, and wage payments. Ultimately, this study demonstrates that the period under examination was a pivotal moment in the history of labor relations and the Iranian oil industry, laying the groundwork for significant developments in oil policies and labor laws in the years to come.

Keywords: Labor History, Anglo-Iranian Oil Companies, Labor Protests, Dispute Resolution Commission, Social History.

1. Assistant Professor, National Archives and Library Organization, Tehran, Iran

ro-motaghedi@nlai.ir



شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۶، شماره: ۴۳

تابستان ۱۴۰۴

صفحات: ۱۷۹-۲۰۲

تاریخ نامه ایران بعد از اسلام



DOI: 10.22034/jiiph.2025.66436.2565

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۴

مسئله کارگری در مناطق نفتی جنوب در سال‌های کودتای رضاخانی: از اعتراض تا تغییر سیاست‌ها سه گانه دولت، شرکت نفت و کارگران (۱۳۰۴-۱۲۹۹ش) ربابه معتقدی^۱

چکیده

در واپسین سال‌های حکومت سلسله قاجار، جنگ جهانی اول، حضور قوای بیگانگان در ایران و ضعف حکومت مرکزی موجب افزایش قدرت شرکت نفت انگلیس و ایران در مناطق نفتی جنوب شده و امکان چانه‌زنی را از کارگران گرفته بود. کاهش دستمزد، تنبیه و اخراج کارگران ایرانی رنج هرروزه‌ای بود که با پایان یافتن جنگ و روی کار آمدن حکومت کودتا، به دولت فرصت داد تا با شرکت نفت انگلیس و ایران، رویارویی مهم داشته و نقش فعال‌تری در احقاق حقوق کارگران به عهده بگیرد. اعتراضات کارگری، اعتصابات و عریضه‌ها نیز در این میان بی‌تأثیر نبود. مسائل کارگری در صنعت نفت جنوب ایران در سال‌های حکومت کودتا (۱۳۰۴-۱۲۹۹ش) چه بود؟ با توجه به تعامل پیچیده بین نیروی کار و سرمایه (شرکت نفت انگلیس و ایران) دولت ایران کجای این تعاملات ایستاده بود؟ شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و بروز چالش‌های کارگری و نقش دولت در مواجهه با این چالش‌ها سؤال اصلی پژوهش است. براساس یافته‌های این پژوهش، دولت در این زمان هنوز نقش بازدارنده و سرکوب‌کننده فعالیت‌های کارگری دوران رضاشاهی همچون سال‌های بعدتر را نپذیرفته و در هیئت حامی و پشتیبان حقوق کارگری، ایفای نقش می‌کرد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل تاریخی و با بهره‌گیری از منابع آرشیوی، اسناد دولتی و گزارش‌های تاریخی، به بررسی تحولات این دوره پرداخته‌است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که افزایش تقاضا و عرضه نیروی کار ناشی از شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی، همراه با ابهامات قرارداد داری، زمینه‌ساز سوءاستفاده شرکت نفت از حقوق کارگران شد. اعتراضات کارگری در برابر تبعیض و نابرابری، دولت را بر آن داشت تا با تثبیت قدرت مرکزی و تشکیل کمیسیون‌های حل اختلاف، نقش فعال‌تری در حمایت از حقوق کارگران ایفا کند. فشارهای دولت و اعتراضات کارگری منجر به تغییر سیاست‌های شرکت نفت در زمینه استخدام، آموزش و پرداخت دستمزدها شد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ کار، شرکت نفت انگلیس و ایران، اعتراضات کارگری، کمیسیون حل اختلاف، تاریخ اجتماعی.

ro-motaghedi@nlai.ir

۱. استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی، تهران، ایران



مقدمه

صنعت نفت، به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد ایران در قرن بیستم، همواره کانون تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. در سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹ که با تثبیت قدرت حکومت مرکزی و تغییر در مناسبات سیاسی همراه بود، معادن نفت جنوب ایران نیز شاهد تحولات مهمی در روابط کارگری بودند. این دوره که از منظر تاریخی، دوره گذار به شمار می‌رود، زمینه‌ساز شکل‌گیری چالش‌های اساسی میان کارگران - شرکت نفت انگلیس و ایران - دولت کودتای رضاخان شد. در سال‌های جنگ جهانی اول، ضعف حکومت قاجار و حمایت انگلستان از شرکت نفت و همکاری شیخ خزعل، سبب افزایش قدرت این شرکت در جنوب ایران شده بود. شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی در سایر نقاط کشور نیز مهاجرت گسترده کارگران به جنوب ایران را در پی داشت. این مهاجرت، عرضه نیروی کار را افزایش داد و قدرت چانه‌زنی شرکت نفت را در برابر کارگران تقویت کرد تا جایی که می‌توانست دستمزدها را به دلخواه تعیین کرده و کارگران را تنبیه یا اخراج کند.

ازجمله پژوهش‌هایی که به لحاظ موضوع به این پژوهش نزدیک‌اند می‌توان از کتاب محیط مصنوع و شکل‌گیری طبقه کارگر صنعتی^۱ نام برد که تاریخ اجتماعی صنعت نفت در ایران را بررسی می‌کند. تمرکز کتاب یادشده بر شکل‌گیری محیط مصنوع نفتی در شهر آبادان است و فعالیت‌ها و تعاملات کنشگران اجتماعی دخیل در ساختن شهر صنعتی آبادان را بررسی می‌کند. این کتاب به طور پراکنده به موضوع مقاومت‌های کارگران نفت و کنشگری‌های آنان پرداخته است. کتاب خواب آشفته نفت^۲ تألیف محمدعلی موحد نیز که در چهار جلد منتشر شده است به روایت و واکاوی فرایند حقوقی قراردادهای و مذاکرات نفتی از زمان انعقاد قرارداد داری تا سقوط زاهدی می‌پردازد. در کتاب یادشده در جلد اول به دوره مورد نظر این پژوهش پرداخته اما تنها موضوع اختلاف مالی دولت با شرکت نفت و سرکوب شیخ خزعل و عشایر مناطق نفتی مورد توجه مولف قرار گرفته و موضوع کارگران نفت در

۱. احسانی، کاوه. (۱۳۹۸). تاریخ اجتماعی کار در صنعت نفت ایران (۱۹۴۱ - ۱۹۰۸ م / ۱۳۲۰ - ۱۲۸۷ ش): محیط مصنوع و

شکل‌گیری طبقه کارگر صنعتی. مترجم مارال لطیفی، انتشارات شیرازه کتاب ما.

۲. موحد، محمدعلی. (۱۳۹۳). خواب آشفته نفت: از قرارداد داری تا سقوط رضاشاه. تهران، انتشارات کارنامه.

این بازه زمانی مورد بررسی قرار نگرفته است. کتاب دیگری که موضوع پژوهش آن حیات اجتماعی کارگران صنعت نفت در مناطق نفتی جنوب است، کتاب نفت و زندگی^۱ است که اگرچه به موضوع تاریخ کارگران صنعت نفت پرداخته است اما بازه زمانی آن سال‌های حکومت کودتا را دربر نمی‌گیرد. مقاله‌ای با عنوان «کارگران هندی صنعت نفت ایران در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول»^۲ با موضوع استفاده شرکت نفت از کارگران متخصص هندی به این مقاله نزدیک است. این مقاله به ورود کارگران هندی به صنعت نفت ایران و استمرار حضور آنان به واسطه عواملی چون سیاست مدیران بریتانیایی شرکت نفت ایران و انگلیس برای استفاده از نیروی کار متخصص و ارزان و نیز تأمین منافع اقتصادی بریتانیا پرداخته است.

این پژوهش با هدف بررسی مسائل کارگری در تأسیسات نفتی جنوب ایران در سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۹۹ش، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه عواملی در شکل‌گیری و بروز چالش‌های کارگری در این دوره نقش داشته‌اند و دولت کودتا چگونه با این چالش‌ها مواجه شد؟ در این راستا، با بهره‌گیری از روش تحلیل تاریخی و با تکیه بر اسناد آرشیوی، گزارش‌های دولتی و منابع تاریخی، به بررسی دقیق تحولات این دوره پرداخته‌ایم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اتهامات قرارداد داری، شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی و سوءاستفاده شرکت نفت از حقوق کارگران، ازجمله عوامل اصلی بروز اعتراضات کارگری در این دوره بوده‌اند. در این میان، دولت کودتا با تثبیت قدرت مرکزی و ایجاد کمیسیون‌های حل اختلاف، تلاش کرد نقش فعال‌تری در حمایت از حقوق کارگران ایفا کند. این تحولات، نه تنها منجر به تغییر سیاست‌های شرکت نفت در زمینه استخدام، آموزش و پرداخت دستمزدها شد، بلکه تأثیرات عمیقی بر جنبش‌های کارگری بعدی و تلاش برای ملی‌سازی معادن نفت در دهه‌های آتی گذاشت. این پژوهش، با بررسی دقیق تحولات کارگری در سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۹۹ش، به دنبال ارائه تصویری جامع از مناسبات کارگری در تأسیسات نفتی جنوب ایران و نقش دولت کودتا در این تحولات است.

۱. معتقدی، ربابه. (۱۳۹۸). نفت و زندگی. وزارت نفت، اداره کل روابط عمومی.

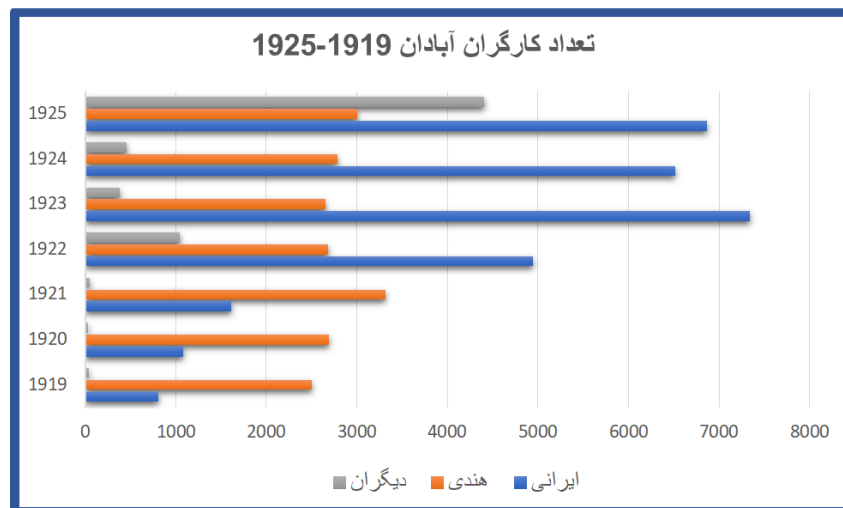
۲. نوروزی، جمشید و معزی، فاطمه. (۱۳۹۶). «کارگران هندی صنعت نفت ایران در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول». تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال هفتم، پاییز و زمستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۴).

اوضاع کار و کارگری در مناطق نفتی جنوب

فرار از قحطی و بی‌کاری، آوازه خوش امنیت نسبی در مناطق نفتی، تفاوت نوع کار صنعتی با کار کشاورزی، دستیابی به شغلی ثابت و درآمدی دائم، رهایی از کار فصلی و موقتی کشاورزی همگی امتیازاتی بود که سبب انتخاب این نقطه از کشور برای کار و مهاجرت در سال‌های جنگ جهانی اول و پس از آن بود. از سویی دیگر شرکت نفت نیز از افزایش عرضه نیروی کار استقبال می‌کرد. نگاهی به افزایش میزان استخراج نفت در طول سال‌های پس از جنگ جهانی اول به خوبی ضرورت استخدام تعداد کارگران بیشتر برای انجام خدمات در بخش استخراج و پالایش نفت در این سال‌ها را نشان می‌دهد. طبق داده‌های آماری، فقط میزان نفت حوزه‌های مسجد سلیمان از ۱۷۴۳۰۰۰ تن در سال ۱۳۰۰/۱۹۲۱ به ۴۳۳۴۰۰۰ تن در سال ۱۳۰۳/۱۹۲۵ افزایش یافته بود (فاتح، ۱۳۳۴: ۲۸۰). علاوه بر بالا رفتن تولید و صدور نفت، برنامه افزایش تعداد چاه‌ها و گسترش مناطق جستجوی نفت از اطراف مسجد سلیمان به اراضی پشتکوه، دشت قیر، مامتین، شاردین، گناوه و هلوان (آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱) و بسیاری چاه‌های دیگر نیز سبب افزایش استخدام کارگران شده بود. همچنان که در جدول‌های ارائه شده توسط «فریر» پیدا است (Ferrier, 1982: 659)، تعداد کارگران استخدام شده ایرانی در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۲۵ م با افزایش جدی روبه‌رو بود. در این سال‌ها تعداد مستخدمین ایرانی، در پالایشگاه نفت آبادان، تقریباً ۹ برابر رشد داشت.

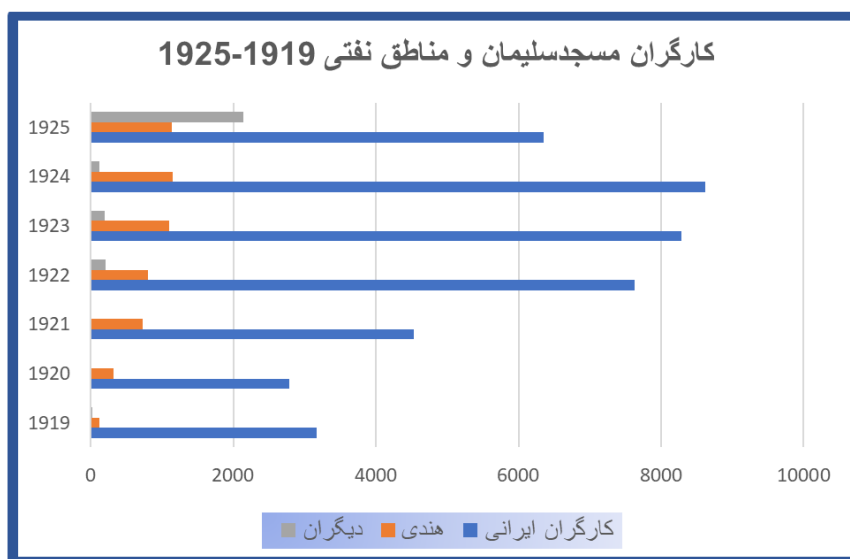
تعداد کارگران آبادان ۱۹۱۹-۱۹۲۵

سال	ایرانی	هندی	دیگران	اروپایی	مجموع
۱۹۱۹	۸۰۶	۲۴۹۹	۳۸	۳۶	۳۳۷۹
۱۹۲۰	۱۰۸۰	۲۶۸۷	۳۵	۷۱	۳۸۷۳
۱۹۲۱	۱۶۰۸	۳۳۱۳	۵۱	۹۹	۵۰۷۱
۱۹۲۲	۴۹۴۱	۲۶۷۹	۱۰۴۸	۱۰۰	۸۷۶۸
۱۹۲۳	۷۳۳۶	۲۶۵۴	۳۷۹	۲۲۰	۱۰۵۸۹
۱۹۲۴	۶۵۲۱	۲۷۸۲	۴۵۴	۳۰۳	۱۰۰۶۰
۱۹۲۵	۶۸۶۲	۳۰۰۱	۴۴۰۵	۴۰۲	۱۴۶۷۰



تعداد کارگران در مسجدسلیمان و حوزه‌های نفتی ۱۹۱۹-۱۹۲۵

سال	کارگران ایرانی	هندی	دیگران	اروپایی	مجموع
۱۹۱۹	۳۱۷۳	۱۱۹	۹	۴۴	۳۳۴۵
۱۹۲۰	۲۷۸۸	۳۲۳	---	۸۱	۳۱۹۲
۱۹۲۱	۴۵۳۶	۷۳۰	---	۱۰۵	۵۳۷۱
۱۹۲۲	۷۶۳۲	۸۰۷	۲۱۲	۲۱۸	۸۸۶۹
۱۹۲۳	۸۲۹۰	۱۰۹۹	۱۹۴	۲۳۹	۹۸۲۲
۱۹۲۴	۸۶۱۷	۱۱۵۵	۱۱۷	۲۸۲	۱۰۱۷۱
۱۹۲۵	۶۳۴۸	۱۱۴۰	۲۱۳۶	۴۶۴	۱۰۰۸۸



سازوکارهای انضباطی

شرکت نفت از ابزارهای مختلفی برای کنترل و انضباط کارگران استفاده می‌کرد. اخراج کارگران به دلیل «ابراز اندک مخالفت» و سهولت جایگزینی آن‌ها به دلیل «نداشتن مهارت حرفه‌ای» نشان‌دهنده قدرت انضباطی شرکت نفت بود. این اقدامات، کارگران را در موقعیت ضعف قرار می‌داد و آن‌ها را مجبور به اطاعت می‌کرد. افزایش جمعیت بی‌کاران در مناطق نفتی جنوب و اصرار آنان به استخدام در تأسیسات صنعت نفت، سبب شده بود تا شرکت نفت فرصت بیشتری برای تحمیل برنامه‌ها و خواسته‌های خود بر آنان داشته باشد. کارگران با اندک مخالفتی اخراج شده و کارگران دیگری به جای آنان استخدام می‌شدند. نداشتن مهارت حرفه‌ای و تخصص کار جابجایی و اخراج آنان را برای شرکت نفت ساده‌تر می‌کرد، اما کارگران نیز که در تقابل با رخدادهای جهانی این دوره و تعامل با دیگر کارگران مهاجر و آشنایی با حقوق کارگری و تقویت هویت ملی قرار گرفته بودند، با عریضه‌نویسی و انتقال درخواست‌ها و مطالباتشان از شرکت نفت به مجلس شورای ملی و وزارت‌خانه‌های مختلف و حتی شخص شاه و استفاده از رسانه‌های جمعی چون مطبوعات به اعتراض در برابر

کارفرمای متخلف می‌ایستادند. همچنان که پیشتر گفته شد دولت نیز در این ایام به مداخله در مناسبات کارگران و کارفرمایی شرکت نفت بی‌علاقه نبود؛ بنابراین فصلی جدید از رودرروی دولت با شرکت نفت در پیگیری اعتراضات کارگری و موظف کردن آن شرکت به اجرای بندهای نادیده‌گرفته قرارداد به نفع کارگران در این دوره کوتاه اما برجسته تاریخی به‌چشم می‌آید. اعتراض به کاهش دستمزدها و وضعیت بد بهداشتی کارگران، جلوگیری از ترویج رویه به‌جای ریال در جنوب، اعتراض به تخریب خانه‌ها و بازار ساکنین مسجدسلیمان و آبادان در ادامه طرح نوسازی شرکت- شهرها، تأکید بر استخدام کارگران ایرانی در مشاغل تخصصی و آموزش حرفه‌ای آنان، اصرار بر جایگزینی کارگران ایرانی به‌جای کارگران خارجی همگی از دغدغه‌های کارگران و دولت در رویارویی با شرکت نفت در این دوران است که برخی موفقیت‌آمیز بود و برخی به نتیجه نرسید.

مقاومت‌های کارگری و اعتراضات کارگری در مناطق نفتی

کارگران در برابر قدرت شرکت نفت شکل‌های مختلفی از مقاومت را به‌کار می‌بردند. اعتراضات و اعتصابات کارگری، عریضه‌نویسی و ارسال درخواست‌ها به مجلس و وزارت‌خانه‌ها و تلاش برای جلب حمایت دولت نمونه‌هایی از این مقاومت بودند. موضوع اخراج کارگران، پرداختن حقوق و دستمزد کارگران ایرانی، تنبیه بدنی کارگران همگی مسائلی بود که موجب بروز اغتشاش و اعتراضات کارگری شده بود. گزارشی از کارگزاری خوزستان در ۱۴ سرطان سال ۱۳۰۰ ش (۲۸ شوال ۱۳۳۹ ق) به وزارت امور خارجه ارسال شد که حاکی از اعتراض کارگران نفت جنوب به دلیل تعویق دستمزدها بود. هزار و چهار صد نفر از کارکنان روزمزد شرکت نفت با تجمع مقابل کارگزاری خوزستان به کارگزار متظلم شدند. شرکت نفت در پاسخ به اعتراض کارگران، آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار داده و حکومت محلی نیز تعدادی از آنان را توقیف کرده بود. کارگزار خوزستان از وزارت امور خارجه کمک خواست تا شرکت نفت ملزم به رعایت حقوق اتباع ایرانی شود (ساکما: ۲۹۳۰۰۵۸۹۲). کارگران نفت جنوب چند روزی را در اعتصاب گذراندند. بعضی از اسناد و مدارک حاکی از این است که یکی از درخواست‌های اعتصاب‌گران ایرانی اخراج کارگران هندی بود.

«اینک در خصوص یکی از درخواست‌های مهم ایشان که خارج نمودن عملیات هندی از خدمت معادن بوده از طرف دولت نیز اقدامات شده و در نتیجه موفقیت حاصل گردید که عملیات هندی را که بالغ بر چهار هزار نفر می‌شدند منفصل و به هندوستان عودت دهند و به جای آن‌ها عملیات ایرانی استخدام نمایند» (فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

گرچه کارگران ایرانی همیشه به رفتار تبعیض‌آمیز کارفرمایان انگلیسی با ایرانیان و هندی‌ها معترض بودند، اما خواسته‌های آنان در این اعتصاب بسیار به هم نزدیک بود. تأمین مسکن، امکانات بهداشتی و تفریحی، تعدیل ساعات کار و افزایش دستمزدها خواسته‌های مشترک کارگران هندی و ایرانی بود (Ehsani, 2014: 276). اگرچه بسیار دور از ذهن است که علت اعتصاب کارگری خواستن اخراج هندی‌ها از ایران بوده باشد، و شرکت نفت نیز دلایل بیشتری برای بازگرداندن آنان داشت، اما نتیجه همین بود: بازگرداندن بسیاری از کارگران هندی به هندوستان.

تشکیل نیروی پلیس توسط شرکت نفت در مناطق نفتی جنوب نیز موضوع دیگری بود که موجب برانگیختن حساسیت دولت کودتا شد. ۲۲ دی ۱۳۰۱ / ۲۵ ژانویه ۱۹۲۳ محمود آیرم امیر لشکر جنوب اطلاع داد که شرکت نفت در مسجدسلیمان مشغول تشکیل و سازمان‌دهی عده‌ای به اسم پلیس نفت است. از اصفهان هم عده‌ای، داوطلب عضویت در این سازمان جدید بودند (فراهانی، ۱۳۸۵: ۶۱۳). به دنبال این گزارش درباره تشکیل پلیس نفت جنوب در مسجدسلیمان، وزیر جنگ این اقدام را برخلاف مصالح مملکتی دانست و تأکید کرد که «در صورتی هم که برای نفت جنوب قوایی لازم باشد ممکن است از دولت ایران تقاضا و استمداد جویند».

نظام دستمزدها به عنوان یک ابزار انضباطی

شرکت نفت با پرداخت دستمزدهای پایین و تبعیض‌آمیز، کارگران را تحت فشار قرار می‌داد و از این طریق رفتار و عملکرد آن‌ها را کنترل می‌کرد. سیل جمعیت بی‌کار که به سوی جنوب سرازیر شده و در اطراف میدان‌های نفتی و پالایشگاه آبادان در شرایطی بد و نامناسب، در انتظار ارجاع کار با هر دستمزدی از سوی شرکت نفت بودند، شاید مهم‌ترین

دلیلی بود که مسئولین شرکت نفت را به کاهش دستمزدها تشویق می‌کرد (Ferrier, 1982: 659). تقابل میان گفتمان قدرت شرکت نفت و گفتمان مقاومت کارگران در این رویارویی قابل مشاهده بود. درحالی که شرکت نفت بر تخصص و کارامدی کارگران خارجی خود تأکید داشت، کارگران ایرانی از بی‌عدالتی، تبعیض و شرایط نامناسب کار شکایت داشتند. مجلس شورای ملی نیز براساس عریضه‌ها و شکایات فراوان کارگران نسبت به کاهش دستمزدها و نابرابری امکانات بهداشتی و خدمات درمانی و تبعیض میان کارگران ایرانی با کارگران هندی و اروپایی، در ژوئن ۱۹۲۴/خرداد ۱۳۰۳ با واسطه وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه از شرکت نفت انگلیس و ایران در این باره توضیح خواست (کمام: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳، ۲۸ جوزا ۱۳۰۳ و ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳):

«به قرار و اطلاعی که از حدود خوزستان راجع به کمپانی نفت جنوب رسیده است رفتار کمپانی مزبور نسبت به کارگران ایرانی خوب نیست، ازجمله اجرت آن‌ها را تقلیل کرده‌اند، طوری که کافی مشارالیه‌م نبوده و همواره در عسرت و قرض دچار هستند. دیگر مسئله مریض‌خانه است که برای ایرانی‌ها تهیه شده به کلی غیرمنظم و به هیچ وجه کافی به احتیاجات آن‌ها نیست. مقتضی است در حدود مقررات قانونی مراتب را تحقیق و در صورت صحت موجبات حصول آسایش کارگران مشارالیه‌م را فراهم داشته و نتیجه را اعلام دارند. رئیس مجلس شورای ملی» (ساکما: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱).

اما آنچه واقعیت داشت این بود که با وجود کاهش محسوس دستمزدها (ساکما: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱ و ۲۴۰۰۱۴۶۵۱ و ساکما: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳) همچنان کارگران ترجیح می‌دادند، در صنعت نفت جنوب مشغول به کار شوند تا در دیگر مناطق کشور منتظر دریافت کار بمانند و این مایه تفاخر مدیران شرکت نفت بود:

«اگرچه ممکن است مزد کارگران در سایر نقاط ایران قدری زیاده‌تر باشد... ولی نباید از نظر دور کرد که در همچو مراکزی، مشاغل غیرمرتب و کار هم محدود است. مثلاً ممکن است یک نفر کارگر در یک ماه مزد زیاده‌تری دریافت دارد ولی آنوقت دو ماه بعد را شاید بی‌کار باشد. به طوری که روی هم رفته موقعیت او بهتر نیست و این را نیز باید اعتراف نمود که اوضاع موجوده در نقاط شمالی منحصر به

عملجات تنها نیست و سایرین نیز از آن بی‌بهره نیستند. اظهار این جانب از اینجا ثابت می‌شود که عده زیادی از شمال ایران به جنوب رفته و در صدد تحصیل کار در کمپانی در فصول معینه برمی‌آیند و به‌علاوه عده‌ای‌شان هم هر سال توقف دائمی را در منطقه عملیات کمپانی ترجیح به این می‌دهند که به بلاد دیگر ایران که موقتاً مختصر اجرت زیادتری می‌دهند بروند» (ساکما: ۱۴۶۵۱: ۲۴۰).

اما نه اعتراضات کارگری و نه تلاش کارگزار امور خارجه برای اعمال فشار از سوی وزارت امور خارجه به مسئولین شرکت نفت در این مورد، نتیجه‌ای دربر نداشت (ساکما: ۱۴۶۵۱: ۲۴۰). با توجه به بروز بحران‌های مالی جهانی و اصرار سیاستمداران انگلستان بر لزوم صرفه‌جویی، مسئولین شرکت نفت تعیین میزان دستمزد یکسان برای کارکنان و کارگران صنعت نفت را حق طبیعی خود می‌دانستند. در همین راستا شرکت نفت در این سال‌های هجوم کارگران بی‌کار به مناطق نفتی تمایلی به استخدام کارگر به‌صورت ثابت و دائم نداشت؛ زیرا متقاضیان کار آن قدر بودند که مسئولین شرکت نفت اطمینان داشتند در تمام طول سال می‌توانند به تعداد کافی کارگر روزمزد با حقوقی بسیار کمتر از حقوق کارگر دائم استخدام کنند (ساکما: ۱۴۶۵۱: ۲۴۰). حقوق کارگر ساده روزمزد ۳ ریال در روز بود، درحالی‌که یک کارگر دائم در شعبه گناوه شرکت نفت، معمولاً بیست‌و‌چهار تا سی تومان در ماه حقوق داشت (ساکما: ۲۹۳۰۰۳۲۶۷۴).

یک بهانه و دلیل شرکت نفت برای کاهش دستمزد کارگران در آبادان، همسان‌سازی حقوق کارگران مستخدم شرکت نفت در مسجدسلیمان و آبادان بود. از زمان تأسیس پالایشگاه و استخدام اولین کارگران در این محل، حقوق بیشتری نسبت به حوزه‌های نفتی مسجد سلیمان برای آنان مقرر شده بود (ساکما: ۱۴۶۵۱: ۲۴۰)؛ زیرا که هزینه‌های زندگی در آبادان بسیار بالاتر از مسجدسلیمان و شهرهای دیگر بود. علت بالاتر بودن قیمت ارزاق در این نقطه به زیاده‌خواهی شیخ خزعل برمی‌گشت. او به‌عنوان کنترات، انحصار مواد غذایی و مایحتاج مردم را به عوامل خود سپرده و ایشان آزاد بودند تا بر ارزاق قیمت‌های دلخواه بگذارند (کسروی، ۱۳۷۳: ۱۶۶). هیچ کاسبی حق نداشت بدون اجازه مقاطعه‌کاران شیخ خزعل به خریدوفروش در این منطقه پردازد. این موضوع سبب شده بود بر مردم فشار آمده و کسبه و بازاریان تازه‌مهاجر نیز برانگیخته و خشمگین شوند. اعتراضات و عریضه‌های

فراوان، علیه کنتراتی‌های شیخ خزعل شاهی بر این مدعاست (کمام: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳). کارگزار وزارت امور خارجه در اعتراض به کاهش حقوق کارگران ایرانی، به نماینده شرکت نفت اعلام داشت:

«... باید همیشه نسبت به گرانی و ارزانی ارزاق و مایحتاج زندگانی در محل، اجرت کارگر را معین نمود. شما نمی‌توانید بگویید که قیمت ارزاق در مسجدسلیمان با عبادان (آبادان) مساوی است که اجرت عملجات را هم به‌طور مساوی بدهید و اگر به‌دقت به میزان قیمت ارزاق عبادان و مسجدسلیمان ملاحظه نمایید خواهید دید که قیمت ارزاق در عبادان دو برابر بلکه بعضی چیزها سه برابر قیمت مسجدسلیمان است؛ بنابراین باید شما در این خصوص رعایت حال عملجات ایرانی را نموده و از روی عدالت و حقانیت با آن‌ها معامله نمائید» (ساکما: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱).

در پاسخ به این اعتراض، نماینده شرکت نفت مشکل ارزاق مردم آبادان و اجحاف کنتراتی‌های خوزستان را مشکل دولت دانسته و موضوع گرانی را خارج از مسئولیت و اختیار شرکت نفت اعلام کرد (ساکما: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱).

علت دیگر کاهش حقوق کارگران، تلاش مسئولان شرکت نفت برای کاهش هزینه‌های شرکت و صرفه‌جویی در مخارج بود. در این سال‌ها دولت انگلستان دچار بحران اقتصادی شده و شرکت نفت نیز اقدام به حفر تعداد زیادی چاه در مناطق مختلف کرده بود که اغلب به نفت نرسیده و از این بابت، هزینه مضاعفی بر شرکت نفت تحمیل شده بود. شرکت نفت برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و مخارج خود ناچار به کاستن از دستمزد کارگران و تعطیل کار در برخی از چاه‌های نفت شده بود (ساکما: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱).

البته این کاهش دستمزد در سال ۱۳۰۳ خ/ ۱۹۲۴ م نه تنها نسبت به حقوقی که در دو سال گذشته (۱۹۲۱-۱۹۲۰ م) از سوی شرکت نفت پرداخت می‌شد، تغییر قابل توجهی بود، بلکه حتی نسبت به حقوق کارگران در دیگر نقاط کشور نیز تفاوت جدی داشت. در سال ۱۳۰۳ م/ ۱۹۲۴ دستمزد کارگر روزمزد در بوشهر و بندرریگ ۴ قران بود (ساکما: ۲۹۳۰۰۳۲۶۷۴). با این همه، اعتراض کارگزار وزارت خارجه، رئیس مجلس شورای ملی و

حتی وزارت تجارت و فلاح در کاهش دستمزدها تأثیری نداشت زیرا که در متن قرارداد داری، جایی برای مداخله دولت و مسئولین در موضوع دستمزدها و حقوق کار دیده نشده بود و شرکت نفت همچنان خود را به ایجاد هماهنگی در پرداخت حقوق به کارکنانش و کم‌وزیاد کردن اجرت آنان محق می‌دانست. اگرچه این اعتراض‌ها به نتیجه نرسید، اما پاسخ شرکت نفت که همچنان خود را به ایجاد هماهنگی در پرداخت حقوق به کارکنانش محق می‌دانست، بیش‌ازپیش توجه دولت را به مسئله خوزستان و معضل شیخ خزعل جلب نمود.

دانش و تخصص در انحصار شرکت نفت

شرکت نفت انگلیس و ایران با تکیه بر دانش فنی و تخصصی خود، قدرت قابل‌توجهی بر کارگران اعمال می‌کرد. شرکت نفت مدعی بود کارگران ایرانی از تخصص و مهارت کافی برای جایگزینی با کارگران هندی و اروپایی برخوردار نیستند. این ادعا، نوعی اعمال قدرت از طریق دانش بود. شرکت نفت با تعریف استانداردهای تخصصی و انحصار دانش مربوطه، موقعیت برتر خود را تثبیت می‌کرد و استخدام و ارتقای کارگران ایرانی را محدود می‌کرد. استخدام کارگران خارجی به‌ویژه هندی به‌جای کارگران ایرانی موضوع مورد گفتگو و اختلاف دولت ایران با شرکت نفت بود. شکل‌گیری و ترویج این گفتمان توسط شرکت نفت، نقش مهمی در توجیه استخدام کارگران خارجی و حفظ ساختار قدرت داشت. این گفتمان، نه‌تنها به محدود کردن فرصت‌های شغلی کارگران ایرانی منجر می‌شد، بلکه نوعی سلطه فرهنگی و شناختی را نیز اعمال می‌کرد.

دولت و اصرار بر آموزش و استخدام کارگران ایرانی

دولت ایران که با استقبال از عضویت در «سازمان بین‌المللی کار»^۱ در سال ۱۳۰۰/۱۹۲۱ لزوم پرداختن به حقوق کارگران و قوانین کار را مورد توجه قرار داده بود، به‌عنوان مشق حمایت از کارگران و اثبات قدرت دولت مرکزی، اولین گام در تقابل و

۱. سازمان بین‌المللی کار در سازمان بین‌المللی کار (I.L.O.) به دنبال کوشش‌های فردی و جمعی گوناگون، در پایان جنگ جهانی اول و ضمن عهدنامه صلح ورسای در سال ۱۹۱۹ میلادی تأسیس شد. تضمین شرایط عادلانه انسانی کارگری و رفاه جسمی، اخلاقی و معنوی حقوق‌بگیران صنعتی از وظایف عمده سازمان بود. (اف.پی. والترز، تاریخ جامعه ملل، ترجمه فریدون زندفر، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲: ۱۴۲).

رودرویی با شرکت نفت را در سال ۱۹۲۴ برداشت. وزارت مالیه از آوریل ۱۹۲۴/فروردین ۱۳۰۳ با شرکت نفت وارد مذاکره شد تا از حقوق کارگران ایرانی دفاع کرده و براساس ماده دوازدهم قرارداد داری بر تعهدات شرکت نفت به استخدام کارگران ایرانی تأکید ورزد (BP, 78726: 9 April 1907). این پیگیری تا نوامبر ۱۹۲۵/آبان ۱۳۰۴ ادامه یافت (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ج ۱: ۷۸ و ساکما: ۱۵۶۹۴-۲۴۰۰). مدیران شرکت نفت اصرار داشتند که کارگران ایرانی از تخصص و مهارت کافی برای جابه‌جایی با کارگران هندی و اروپایی صنعت نفت برخوردار نیستند. بنابراین لازم آمد که طرحی برای آموزش فنی کارآموزان و کارگران ایرانی در نظر گرفته شود. تا سال ۱۳۰۴ ش فهرست مؤسسات آموزشی متوسطه و عالی در ایران شامل دارالمعلمین یا دانشسرای مقدماتی که عمر آن به ۱۲ سال می‌رسید، مدرسه پزشکی، مدرسه فنی، مدرسه تجارت، مدرسه داروسازی، مدرسه حقوق، مدرسه کشاورزی، مدرسه دندان پزشکی و مدرسه علوم سیاسی می‌شد. علاوه بر این، کالج آمریکایی تهران، دو مدرسه فرانسوی، مدرسه نظام، مدرسه تلگراف و بی‌سیم و یک مدرسه هوانوردی که توسط وزارت جنگ اداره می‌شد نیز وجود داشتند (کرونین، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۹۰)، اما این اولین بار بود که طرح مدارس فنی به شکل رسمی از سوی دولت ایران به شرکت نفت ارائه می‌شد (روزنامه نامه تجدد، ش ۳۸/۱۳۰۳).

در کنار هجوم مهاجران جویای کار به منطقه نفتی، اصرار دولت ایران به نظارت بر استخدام کارکنان صنعت نفت و اجرای ماده دوازدهم قرارداد داری و آغاز جنبش‌های استقلال طلبانه در مستعمرات نیز مزید بر علت شده و مدیران شرکت نفت بیش‌ازپیش تحت فشار قرار گرفتند. شرکت نفت که ترجیح می‌داد در فضایی آرام‌تر و با تنش کمتر به کار تولید و صدور نفت ادامه دهد، برای پرهیز از سرایت اعتراضات و اعتصابات هند توسط کارکنان هندی شرکت نفت به صنعت نفت ایران (فلور، ۱۳۷۱: ۴۴) و رضایت خاطر دولت ایران و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، برای اجرای طرح جایگزینی کارگران ایرانی با کارکنان هندی شروع به برنامه‌ریزی نمود. آموزش کارگران ساده ایرانی و گماشتن آنان به کارهای فنی و تخصصی صنعت نفت یکی از این برنامه‌ها بود (The Persian Oil Industry, 1929: 16).

مدیران شرکت نفت که در سال‌های گذشته، موضوع آموزش و مهارت آموختن به کارگران را وظیفه خود نمی‌دانستند، پس از شورش‌های مکرر هندی‌های مستخدم شرکت نفت در سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۲م تغییر رویه داده و تصمیم گرفتند با آموزش کارگران ایرانی، گروه جدیدی از کارگران ماهر و فنی داشته باشند تا در رویارویی با شورش‌های کارگران خارجی غافل‌گیر نشوند. درواقع با تأسیس موسسه فنی، جانشینانی برای کارگران متخصص هندی که تا این زمان بیشترین کارگران حرفه‌ای شرکت نفت بودند، آموزش می‌دیدند. این مدارس و مؤسسات فنی هم در آبادان و هم در مناطق نفتی مسجدسلیمان راه‌اندازی شده بود. شرکت نفت در سال ۱۳۰۴ش/ ۱۹۲۵م پذیرفته بود که «هر عده مدارس ابتدایی و متوسطه و فنی که افتتاح آن در ولایت خوزستان امکان‌پذیر باشد، مخارج آن را متکفل شود و ضمناً بر عده شاگردانی که فعلاً در کارخانجات و مدارس فنی خود کمپانی در صحرای نفت و عبادان مشغول آموختن صنایع و فنون لازمه هستند، بيفزايد تا اندک‌اندک از وجود مستخدمین خارجی بی‌نیاز شود» (ساکما: ۱۹۵۶: ۲۴۰۰). با افزایش مدارس ابتدایی و متوسطه و مؤسسه‌های فنی در خوزستان و قبول پرداخت هزینه‌ها و اعانه به مدارس دولتی تازه‌تأسیس در آن ایالت، شرکت نفت امیدوار بود تا بتواند روابط دوستانه‌تری با دولت ایران داشته باشد (ساکما: ۱۹۵۶: ۲۴۰۰).

در سال ۱۳۰۴ش شرکت نفت علاوه بر مؤسسات فنی که پیش از این تأسیس کرده و در آن علوم و فنون مربوط به صنعت نفت آموزش داده می‌شد، اقدام به راه‌اندازی یک مدرسه متوسطه فنی نیز برای فرزندان مستخدمین آن شرکت نمود (ساکما: ۱۹۵۶: ۲۴۰۰). در مسجدسلیمان، اهواز و آبادان کارگاه‌های مهندسی و فنی زیادی وجود داشت که در آن‌ها کارگران مکانیک، لوله‌پیچ، جوش‌کار و ریخته‌گر و کسانی که دانش مهندسی مختصری در نقاط دیگر ایران کسب کرده بودند، به‌وسیله مهندسان اروپایی آموزش تخصصی می‌دیدند. رشد مدارس فنی و کارگاه‌ها و آموزشگاه‌ها نشانه بارز این تغییر مشی است. همچنین استخدام تدریجی فارغ‌التحصیلان و دوره‌دیدگان آموزشگاه‌های فنی در سال‌های پس از ۱۹۲۳م در رشته‌های مختلف فنی اگرچه به‌کندی، اما در هر حال آغاز شده بود.

شرکت نفت در طول سال‌های قبل از ۱۹۲۴م بیش از ۵۰۰۰ کارگر خارجی استخدام

نموده بود. پس از انجام مذاکرات توسط کمیسیونی متشکل از نمایندگان دولت ایران و شرکت نفت پیرامون «طرح تقلیل مستخدمین خارجی»، قرار بر اخراج تدریجی کارگران خارجی و جایگزینی کارگران ایرانی شد. به این ترتیب که شرکت نفت تعدادی از کارگران ایرانی را طی هشت سال آینده با هزینه شرکت نفت آموزش داده و به آنان شغل‌های فنی واگذار کند. همچنین تأسیس مدارس و آموزشگاه‌های فنی جهت ارتقای علمی و فنی کارگران به عهده آن شرکت گذاشته شد. از دیگر مواردی که در این کمیسیون درباره آن گفتگو شد، نحوه جذب و استخدام نیروی انسانی بود. شرکت نفت پذیرفت که از این پس، از طریق مطبوعات و جراید در سراسر کشور نیاز شرکت نفت به استخدام کارگر به اطلاع عموم رسیده، واجدین شرایط تقاضای خود را به مسئولین شرکت ارائه نموده و سپس استخدام از میان آنان صورت بگیرد (ساکما: ۱۹۵۶: ۲۴۰۰۰). البته این موضوع به همین مذاکرات پایان نیافت و استخدام کارگران ایرانی به جای کارگران خارجی در تمام طول مدت فعالیت شرکت نفت در ایران یکی از مطالبات اساسی دولت و پایه یکی از اختلافات مهم با آن شرکت بود. تهیدستان ایرانی که به عنوان کارگر ساده وارد صنعت نفت شده و به مدت دوازده سال پس از کشف نفت، با مقاومت شدید شرکت نفت برای پیشرفت شغلی مواجه بودند، حال در سال‌های پس از جنگ جهانی اول و رشد آگاهی سیاسی کارگران و درگیری انگلستان با مشکلات داخلی و خارجی موفق شده بودند با گذراندن دوره‌های آموزشی در آموزشگاه‌های فنی شرکت نفت یا در کارگاه‌های مختلف آن شرکت، به عنوان کارگر متخصص وارد کار صنعت نفت شوند.

دولت در تلاشی برای دستمزد و خدمات رفاهی عادلانه کارگران ایرانی نفت

در تاریخ ۳ سرطان/ تیر ۱۳۰۳/ ۲۴ ژوئن ۱۹۲۴ کمپانی نفت به اعتراض وزارت تجارت و فلاحت و فواید عامه و ریاست مجلس شورای ملی در بدرفتاری با کارگران صنعت نفت و کیفیت نامناسب خدمات درمانی ارائه شده به کارگران پاسخی مشروح ارسال کرد. شرکت نفت در پاسخ به نارضایتی کارگران در منطقه نفتی اعلام کرد کارکنان و کارگران صنعت نفت در حال حاضر در بهترین وضعیت در چند سال گذشته نسبت به دیگر کارگران ایرانی هستند. مدیر شرکت نفت ناکافی بودن حقوق و بقیه دستمزدها را نیز قابل قبول ندانست،

چون دستمزد کارگران روزمزد تقریباً برابر حقوق بقیه کارگران روزمزد در سایر نقاط بوده و دستمزد کارکنان ماهر و فنی هم در سال‌های گذشته از ماهانه ۶ تومان به ۱۰ تومان افزایش یافته بود. همچنین مشکلات مسکن و گرانی و مالیات و دیگر شکایات مردم را نیز مربوط به خوانین و شیخ خزعل دانست (BP:72187, 2th June 1924).

رادبو بی سیم مسکو وقوع اعتصاب کارگران صنعت نفت در تاریخ ۱۹ سرطان/ تیر ۱۳۰۳/ ۱۰ ژوئیه ۱۹۲۴ را گزارش کرد (لورین، ۱۳۶۳: ۲۲۴). این اعتصاب اگرچه به ظاهر ناموفق بود اما مقدمه‌ای شد تا در دو ماه آینده اتفاقات مهمی در روابط شرکت نفت و دولت نوپای ایران رقم بخورد.

راهکار نهایی: تشکیل کمیسیون دولتی حل اختلاف کارگران و شرکت نفت

موضوع نفت یکی از بحران‌های سیاسی-اقتصادی عصر پهلوی و به باور بسیاری از صاحب‌نظران طرح تجاری پرخطری بود که بارها روابط ایران و انگلستان را به مناقشه و اختلاف کشانید (پناهی، ۱۴۰۳: ۴). نارضایتی کارگران صنعت نفت از شرکت نفت انگلیس و ایران از جمله این مناقشات بود. وزارت فواید عامه که در سال‌های پس از مشروطه تأسیس شده بود، سعی در پیگیری عرایض کارگران علیه شرکت نفت داشت چراکه در شرح وظایف این وزارتخانه رسیدگی به امور صنعتی ایران ذکر شده بود (فلور، ۱۳۷۱: ۲۰)، اما بودجه سالیانه این وزارتخانه بسیار کم بود و تعداد کارمندانش هم کمتر از آن بودند که بتوانند نظارت جامع بر اداره امور صنایع داشته باشند.

وزارت امور خارجه نیز به علت خارجی بودن شرکت نفت و غیرایرانی بودن مسئولان و بسیاری از کارکنان فنی و اداری آن موظف به مداخله در مسائل ایجاد شده بین کارگران و کارفرمایان صنعت نفت بود. مجلس شورای ملی نیز که در سال‌های پس از مشروطه تأسیس شده بود می‌کوشید تا با احقاق حقوق معترضین و کارگران و توضیح خواستن از شرکت نفت و وزارتخانه‌های امور خارجه و فواید عامه، گامی به نفع مردم که به آن‌ها مدیون بود، بردارد. درکنار همه این مراجع شکایات مردمی، دولت وقت که کم‌کم رنگ اقتدار به خود می‌گرفت نیز قرار داشت. در این میان رضاخان سردار سپه که با کودتای

۱۲۹۹ش به عنوان وزیر جنگ روی کار آمده و مدتی پس از آن در حکم رئیس دولت ایفای نقش می‌کرد، سعی داشت با استفاده از روحانیون و تأیید گرفتن از احزاب و اتحادیه‌ها و رسیدگی به شکایات مردمی، وجهه‌ای مثبت و نمودی مردم‌دوستانه از خود به‌جا گذارد. به عقیده جان فوران، مهارت او در استفاده بجا از این گروه‌ها (فوران، ۱۳۸۰: ۳۰۶) سبب رسیدن وی به موفقیت مطلوب شد.

با توجه به بی‌نتیجه بودن مکاتبات و گفتگوی میان دولت ایران و رؤسای کمپانی نفت پیرامون توقف کاهش دستمزدها و دیگر خواسته‌های پیشروانه کارگری، وزارت مالیه و وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه با همراهی نمایندگان وزارت امور خارجه و وزارت عدلیه کمیسیونی ترتیب داده و قوانین و نظامات لازم را برای حفظ حقوق عملجات تدوین کنند. به‌روشنی در دستور کار این کمیسیون مطرح شده بود که «عده عملجات کارخانه‌های نفت جنوب روبه‌روز در تزايد و نظر به فقدان قوانین و نظامات لازمه برای جلوگیری از تعدیات کارفرمایان - هر روزه اجحافات به عملجات ایرانی شده و مخصوصاً در مواقع پیش‌آمد حوادث غیرمترقبه هم آنطور که شاید و باید جبران حوادث مزبور به عمل نمی‌آید» (ساکما: ۱۴۶۵۱/۲۴۰۰).

پس از شورش‌های مکرر کارگران نفت در سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ وزارت امور خارجه و وزارت فواید عامه که از پرسش و اعتراضات متوالی به شرکت نفت طرفی نبسته بودند، تصمیم گرفتند کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت امور خارجه و فواید عامه و نمایندگان شرکت نفت تشکیل دهند تا این کمیسیون به حل اختلافات شرکت و کارگران پرداخته و به اجحافات شرکت نفت مطابق ادعای کارگران رسیدگی کند (ساکما: ۱۹۵۶/۲۴۰، ۹ آذر ۱۳۰۴، لندن). فعالیت این کمیسیون پس از شورش‌های سال ۱۳۰۳/۱۹۲۴م آغاز شد و شروعی بر تدوین نظام‌نامه‌های حقوق کارگران بود. شاهد این مدعا سندی است که از مکاتبات وزارت مالیه و وزارت فواید عامه به‌جا مانده‌است:

«وزارت مالیه

بتاریخ ۲۱ برج سنبله سیچقان ثیل ۱۳۰۳

وزارت جلیله فوائد عامه

نظر به اینکه عده عمله‌جات کارخانه‌های نفت جنوب روزبه‌روز در تزايد و نظر به فقدان قوانین و نظامات لازمه برای جلوگیری از تعدیات کارفرمایان - هرروزه اجحافتی به عمله‌جات ایرانی شده و مخصوصاً در مواقع پیش‌آمد حوادث غیرمترقبه هم آنطور که شاید و باید جبران حوادث مزبور بعمل نمی‌آید این وزارت‌خانه پیشنهاد می‌نماید که کمیسیونی در وزارت جلیله فواید عامه تشکیل شده با حضور آقای ثقة‌الدوله نماینده این وزارت‌خانه و نمایندگان وزارت جلیله خارجه و عدلیه قوانین و نظامات لازمه را برای حفظ حقوق عمله‌جات تدوین نمایند» (ساکما: ۲۴۰۰۲۵۱۶۸).

نتیجه

مسائل کارگری در صنعت نفت جنوب ایران در سال‌های حکومت کودتا، بازتابی از تعامل پیچیده بین نیروی کار، سرمایه و دولت بود. این مسائل زمینه‌ساز تحولات مهمی در روابط کارگری، سیاست‌های نفتی و قوانین کار در ایران شد. تحلیل این مقاله نشان می‌دهد که روابط کارگری در صنعت نفت جنوب ایران، عرصه‌ای از اعمال قدرت، دانش، نظم و مقاومت بوده‌است. شرکت نفت با استفاده از دانش، تخصص و سازوکارهای انضباطی، سلطه خود را بر کارگران اعمال می‌کرد، اما کارگران نیز با اشکال مختلف مقاومت، در برابر این سلطه ایستادگی می‌کردند. افزایش تقاضا و عرضه نیروی کار که ناشی از شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی در سایر نقاط کشور، همراه با تبلیغات مربوط به فرصت‌های شغلی و امنیت نسبی در مناطق نفتی بود، موجب مهاجرت گسترده نیروی کار به جنوب ایران شد. شرکت نفت از این وضعیت به‌عنوان فرصتی برای افزایش تولید و کاهش هزینه‌های نیروی کار بهره برد. ابهامات و نقاط ضعف موجود در قرارداد داری و عدم نظارت مؤثر دولت ایران در سال‌های پیش، زمینه را برای سوءاستفاده شرکت نفت از حقوق کارگران فراهم کرده بود. نارضایتی کارگران منجر به اعتصابات و اعتراضات متعدد شد که نشان‌دهنده آگاهی و مطالبه‌گری آنان در برابر تبعیض و نابرابری بود. با تثبیت قدرت حکومت مرکزی و افزایش آگاهی ملی، دولت به تدریج نقش فعال‌تری در حمایت از حقوق کارگران ایفا کرد. تشکیل کمیسیون‌های دولتی برای رسیدگی به شکایات کارگران و مذاکره با شرکت نفت، گامی مهم در جهت احقاق حقوق کارگران بود. دولت تلاش کرد شرکت نفت را ملزم به استخدام

کارگران ایرانی و آموزش نیروی کار متخصص کند. فشارهای دولت و اعتراضات کارگری، شرکت نفت را وادار به تغییر سیاست‌های خود در زمینه استخدام، آموزش و پرداخت دستمزدها کرد. دولت ایران تلاش کرد با استفاده از ابزارهای قانونی و سیاسی، حقوق کارگران را حفظ و حاکمیت ملی را اعمال کند. درنهایت، تقابل میان دولت-کارگران و شرکت نفت، زمینه‌ساز تحولات مهمی در سیاست‌های نفتی و قوانین کار در سال‌های بعدی در ایران شد.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- آبرونساید، ادموند (۱۳۶۱). *خاطرات ژنرال آبرونساید*، ترجمه بهروز قزوینی، تهران: آینه.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۵). *روز شمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- لورین، سرپرسی (۱۳۶۳). *شیخ خزعل و پادشاهی رضا خان*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: فلسفه.
- فاتح، مصطفی (۱۳۳۴). *پنج‌جاه سال نفت*، تهران: کاوش.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱). *اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران ۱۹۰۰-۱۹۴۱*. ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱). *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی ۱۹۰۰-۱۹۲۵*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- فوران، جان (۱۳۸۰). *تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۷). *رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین*، تهران: جامی.
- کسروی، احمد (۱۳۷۳). *تاریخ پانصد ساله خوزستان*، تهران: چاپ بهمن.
- والترز، اف. پی (۱۳۷۲). *تاریخ جامعه ملل*، ترجمه فریدون زندفر، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

مقاله

- پناهی، عباس (۱۴۰۳). تأثیر قتل رابرت ایمبری بر سیاست‌های نفتی آمریکا و بریتانیا در ایران. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۵(۴۱)، ۱۰۱-۱۲۷.

Doi: 10.22034/JIIPH.2024.61134.2509

مطبوعات

- روزنامه نامه تجدد، ش ۳۸ سال اول ۲۰ سنبله ۱۳۰۳/ ۱۲ صفر ۱۳۴۳.

مذاکرات مجلس

- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، جلسه ۱.
- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۳۰.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱، ۲۳ جوزاء ۱۳۰۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱، رونوشت راپورت نمره ۲۰۶ به وزارت امور خارجه، ۱۱ جوزاء ۱۳۰۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۹۳۰۰۳۲۶۷۴، ۱۹ می ۱۹۲۳، مکاتبه نماینده ی کمپانی نفت ایران و انگلیس با حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۹۳۰۰۳۲۶۷۴، آمار بوشهر.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱، ۲۳ جوزاء ۱۳۰۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱، رونوشت راپورت نمره ۲۰۶ به وزارت امور خارجه، ۱۱ جوزاء ۱۳۰۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۹۳۰۰۳۲۶۷۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰/۱۹۵۶، ۱۸ نوامبر ۱۹۲۵ و ۹ آذر ۱۳۰۴
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۴۰۰۶۳
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱- ۲۱ سنبله- شهریور ۱۳۰۳/ ۱۲ سپتامبر ۱۹۲۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱. ۳ سرطان ۱۳۰۳/ ۲۶ ژوئن ۱۹۲۴.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱، ۲۳ جوزاء ۱۳۰۳
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱، رونوشت راپورت کارگزاری به وزارت امور خارجه، نمره ۲۰۶، ۱۱ جوزاء ۱۳۰۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۹۳۰۰۳۲۶۷۴، ۱۹ می ۱۹۲۳، مکاتبه نماینده ی کمپانی نفت ایران و انگلیس با حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۹۳۰۰۳۲۶۷۴، آمار بوشهر.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۰۴۰۰۶۳، صورت جلسه سالیانه شرکت نفت انگلیس و ایران، ص ۴۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰/۱۹۵۶، ۹ آذر ۱۳۰۴، لندن.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱، ۳ سرطان ۱۳۰۳ / ۲۴ ژوئن ۱۹۲۴
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- آرشیو ملی: ۲۴۰۰۱۴۶۵۱، رونوشت راپورت نمره ۲۰۶ به وزارت امور خارجه، ۱۱ جوزاء ۱۳۰۳.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳، کمیسیون عرایض، ۲۸ جوزا ۱۳۰۳ و ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳، کمیسیون عرایض، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.
- کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: ۵/۱۴۶/۳۵/۱۳، کمیسیون عرایض، به تاریخ ۲۸ جوزاء ۱۳۰۳ ش / ۱۵ ذیقعدہ ۱۳۴۲ ق.

(ب) منابع انگلیسی

Books

- Ehsani, K. (2014). *The social history of labor in the Iranian oil industry: the built environment and the making of the industrial working class (1908-1941)*, Leiden Institute for Area Studies (LIAS), Humanities, Leiden University.
- Ferrier, W. (1982). *Ronald: The History of the British Petroleum*

Company, Vol. 1: The Developing Years, 1901-1932. Publisher: Cambridge University Press November 1982, 30.

Magazin

- “The Persian Oil Industry” Naft Magazin, may 1929, Vol 5, No 3.

Archives

- BP: 78726, 23 Safar 1325/ 9 April 1907
- BP:72187, Angelo-persianoil.co.id To Eissa Khan, 2th June 1924